

آزادی به مثابه...

جغرافیای مفهومی، امواج تاریخی و تحلیل تطبیقی
گفتمان‌های رقیب در فلسفه‌ی سیاسی

مهدی سالم

پژوهشگر و نویسنده در حوزه‌ی
گذار دموکراتیک و فلسفه‌ی سیاسی

MahdiSalem.com

۳ اسفند ۱۴۰۴ | ۲۲ فوریه ۲۰۲۶

چکیده

این مقاله‌ی تحلیلی-تطبیقی، مفهوم آزادی را از سه منظر بررسی می‌کند: نخست، **جغرافیای مفهومی** آن را در قالب نقشه‌ای از تعبیرسازی‌های تاریخی ترسیم می‌کند؛ دوم، **امواج تحول** این مفهوم را از دوران باستان تا دوران دیجیتال دنبال می‌کند؛ و سوم، **تحلیل تطبیقی** مکاتب رقیب-از لیبرالیسم تا مارکسیسم، از جمهوری خواهی تا فمینیسم، از سنت تحلیلی تا سنت قاره‌ای-را با تمرکز بر دشمنان مفهومی، انسان‌شناسی‌های زیربنایی، و تنش‌های ساختاری ارائه می‌دهد. در پیوست‌ها، سنت اسلامی-ایرانی با عمق بیشتری تحلیل می‌شود.

کلیدواژه‌ها: آزادی منفی، آزادی مثبت، عدم سلطه، قابلیت، خودفرمانی، رهایی، سنت جمهوری خواه، لیبرالیسم، فلسفه‌ی سیاسی تطبیقی

فهرست مطالب

فهرست مطالب

۳	۱	جغرافیای مفهومی آزادی: نگاهی شماتیک
۳	۱.۱	خط زمانی: ۲۵۰۰ سال تعبیرسازی آزادی
۳	۲.۱	نقشه‌ی مکتبی: چه کسانی با چه کسانی گفتگو داشتند؟
۳	۳.۱	ماتریس مقایسه‌ای: متفکران و ابعاد آزادی
۴	۴.۱	نقشه‌ی دشمنان مفهومی آزادی
۶	۲	امواج تحول: زمینه، نظریه، نتیجه، نقد
۷	۱.۲	موج اول: از بردگی تا شهروندی (دوران باستان)
۷	۲.۲	موج دوم: اختیار، اراده و الهیات (قرون وسطی)
۸	۳.۲	موج سوم: حق طبیعی، قرارداد، و انقلاب (مدرن اولیه)
۸	۴.۲	موج چهارم: فردگرایی، رهایی، ایدئالیسم (قرن ۱۹)
۹	۵.۲	موج پنجم: آزادی منفی در برابر مثبت (قرن ۲۰)
۱۰	۶.۲	موج ششم: قابلیت، شناسایی، و رهایی‌بخشی (معاصر)
۱۱	۳	تحلیل تطبیقی مفهوم آزادی در فلسفه‌ی سیاسی
۱۱	۱.۳	مقدمه و روش‌شناسی
۱۱	۲.۳	آزادی منفی: از هابز تا برلین
۱۱	۱.۲.۳	صورت‌بندی اولیه: هابز
۱۱	۲.۲.۳	کمال‌یابی با آیزایا برلین
۱۲	۳.۲.۳	نقدهای وارد بر برلین
۱۲	۳.۳	آزادی مثبت: از روسو تا تیلور
۱۳	۴.۳	آزادی جمهوری‌خواهانه: عدم سلطه
۱۳	۵.۳	رویکرد قابلیت: سن و نوسبام
۱۴	۶.۳	آزادی در مکاتب راست، چپ، و میانه
۱۴	۱.۶.۳	تنش‌های ساختاری: سه بحران اصلی
۱۵	۷.۳	آزادی اگزیستانسیالیستی: انتخاب، مسئولیت، هستی

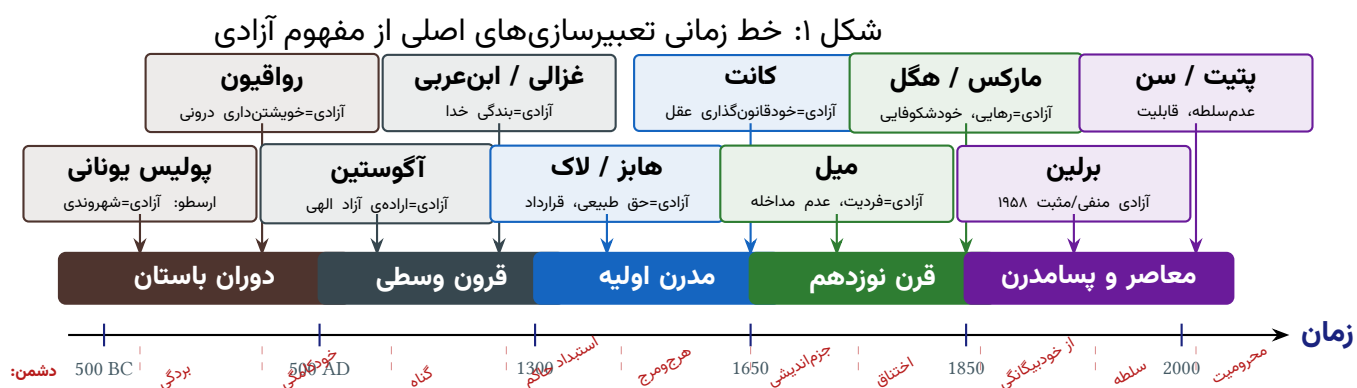
۸.۳	آزادی فمینیستی و پسااستعماری	۱۵
۴	مفاهیم مجاور و زیست‌بوم مفهومی آزادی	۱۶
۱.۴	نقشه‌ی زیست‌بوم مفهومی آزادی	۱۶
۲.۴	مفاهیم مجاور: تشریح تطبیقی	۱۶
۳.۴	دشمنان مفهومی: فهرست تفصیلی	۱۷
۵	آثار اصلی نظریه‌پردازان: راهنمای مطالعه	۱۸
آ	پیوست الف: آزادی در سنت اسلامی-ایرانی	۲۱
۱.آ	۱.آ - آزادی در برابر بردگی: تقابل اسلام و یونان باستان	۲۱
۱.۱.آ	۱.۱.آ وضعیت بردگی در پولیس یونانی	۲۱
۲.۱.آ	۲.۱.آ پاسخ اسلامی: توحید و کرامت عمومی	۲۱
۳.۱.آ	۳.۱.آ مقایسه‌ی تطبیقی: اسلام در برابر یونان	۲۱
۲.آ	۲.آ - آزادی و استبداد در حکمرانی: تنش اصلی سنت اسلامی-ایرانی	۲۱
۱.۲.آ	۱.۲.آ ساختار کلاسیک: امامت، خلافت، و سلطنت	۲۱
۲.۲.آ	۲.۲.آ بحث آزادی در اندیشه‌ی متکلمان	۲۲
۳.آ	۳.آ - بحث ایران‌شهری: آزادی در سنت اندیشه‌ی سیاسی ایرانی	۲۳
۱.۳.آ	۱.۳.آ سنت اندرزنامه‌ای و عدالت پادشاهی	۲۳
۲.۳.آ	۲.۳.آ انتقاد طباطبایی: افول اندیشه‌ی سیاسی ایرانی	۲۳
۳.۳.آ	۳.۳.آ طبقه‌بندی مواضع درباره‌ی اسلام و آزادی	۲۳
ب	پیوست ب: تشریح تکمیلی نکات تحلیلی	۲۴
۱.ب	۱.ب - انسان‌شناسی زیربنایی هر مکتب	۲۴
۲.ب	۲.ب - تنش‌های ساختاری: پنج بحران حل‌نشده	۲۴
۳.ب	۳.ب - سنت تحلیلی و قاره‌ای: یک گفتگوی ناتمام	۲۷
۴.ب	۴.ب - آزادی در مکاتب راست، چپ و میانه: تحلیل تقابلی	۲۸
۵.ب	۵.ب - آزادی در سنت پسااستعماری و فمینیستی	۳۰
۶.ب	۶.ب - آزادی در عصر دیجیتال: چالش‌های معاصر	۳۰
۷.ب	۷.ب - جمع‌بندی: نقشه‌ی تنش‌های حل‌نشده	۳۲
۳۳	کتاب‌شناسی و منابع	

۱ جغرافیای مفهومی آزادی: نگاهی شماتیک

درباره‌ی این بخش

در این بخش، مفهوم آزادی را نه با کلمات، بلکه با نقشه‌ها، خط‌های زمانی، و نمودارهای تعاملی می‌کاویم. هدف: پیش از هر تحلیل عمیق، یک تصویر کلی و شماتیک از جغرافیای این مفهوم داشته باشیم.

۱.۱ خط زمانی: ۲۵۰۰ سال تعبیرسازی آزادی



۲.۱ نقشه‌ی مکتبی: چه کسانی با چه کسانی گفتگو داشتند؟

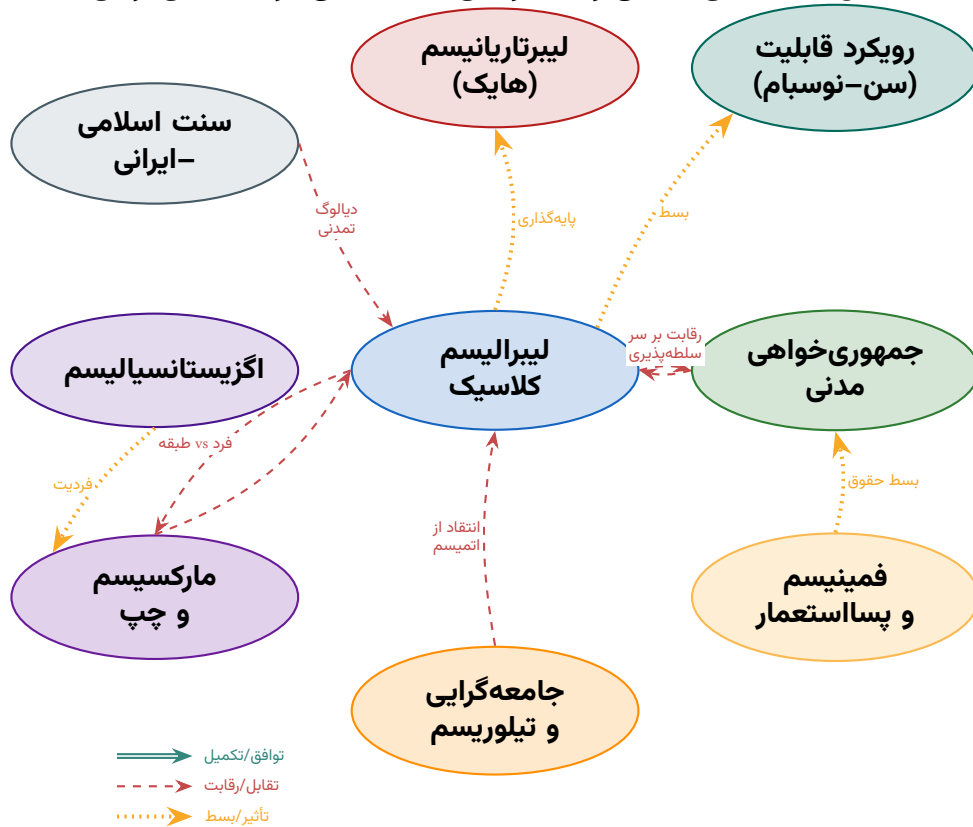
۳.۱ ماتریس مقایسه‌ای: متفکران و ابعاد آزادی

راهنمای ماتریس

هر خانه نشان می‌دهد که آیا آن متفکر آن بُعد از آزادی را تأیید ()، رد () یا تا حدی قبول () می‌کند.

۴.۱ نقشه‌ی دشمنان مفهومی آزادی

شکل ۲: نقشه‌ی مکتبی و گفتگوهای میان‌مکتبی در فلسفه‌ی آزادی



هر تعریف از آزادی، همزمان یک یا چند «دشمن مفهومی» می‌سازد: چیزی که نقیض یا ضد آزادی است. این دشمنان خود گویای بیشترین چیز درباره‌ی هر نظریه هستند.

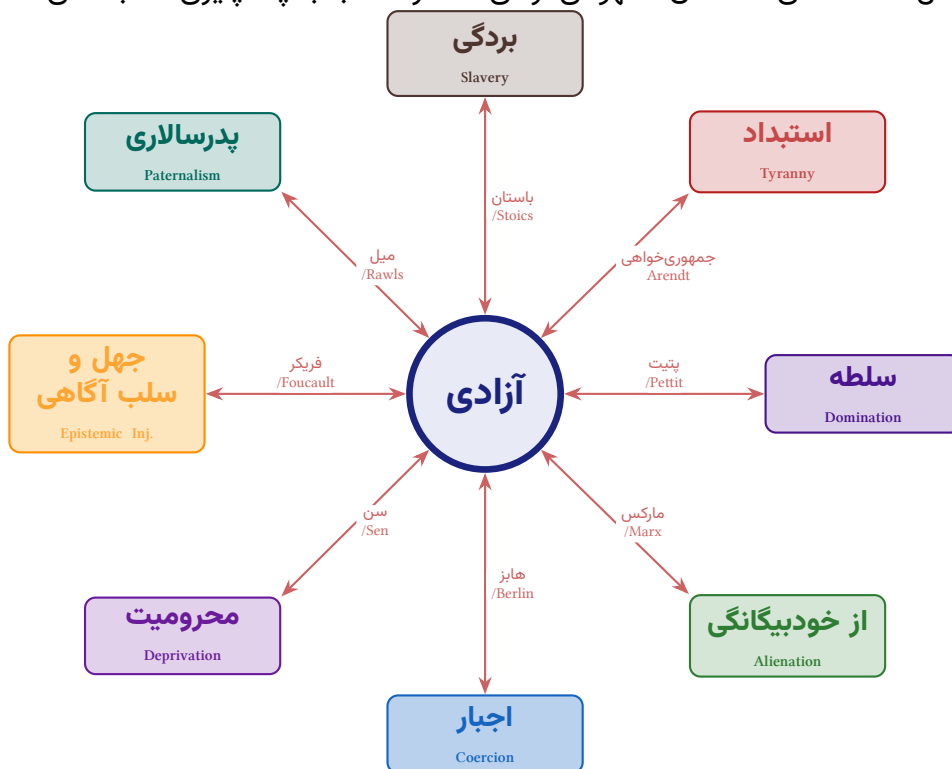
جدول ۱: ماتریس تطبیقی متفکران و ابعاد آزادی

متفکر	عدم مداخله	خودفرمانی	عدم سلطه	قابلیت	مشارکت	رهایی	شناسایی	طبیعت
Hobbes								
Locke								
Rousseau								
Kant								
Mill								
Marx								
Hegel								
Berlin								
Rawls								
Hayek								
Pettit								
Sen								
Arendt								
Foucault								
Butler								
Taylor								

تأکید اصلی تأکید قابل‌توجه پذیرش دوسویه/مشروط رد یا غیبت

۲ امواج تحول: زمینه، نظریه، نتیجه، نقد

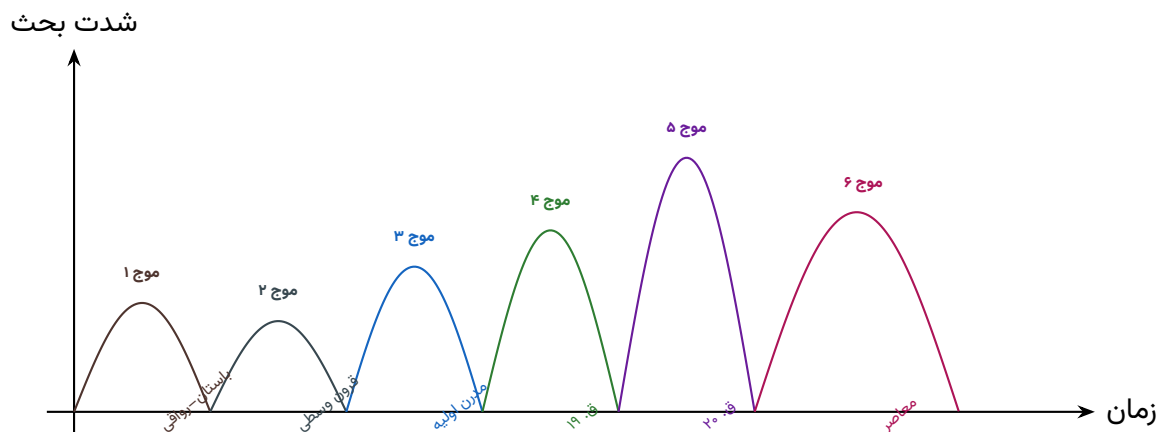
شکل ۳: نقشه‌ی دشمنان مفهومی آزادی – هر مکتب با چه چیزی مقابله می‌کند؟



چارچوب تحلیل امواج

هر موج شامل چهار عنصر است: (۱) **بستر تاریخی** که آن را ضروری کرد؛ (۲) **نظریه‌ی اصلی** که آن موج تولید کرد؛ (۳) **نتایج سیاسی و اجتماعی** آن؛ و (۴) **نقد و واکنش** موجی که پس از آن آمد.

شکل ۴: نمودار امواج تحول در مفهوم آزادی



۱.۲ موج اول: از بردگی تا شهروندی (دوران باستان)

موج اول | دوران باستان | 500 BC – 500 AD

بستر تاریخی:

نظریه اصلی:

پولیس یونانی بر دو پایه استوار بود: ارسطو آزادی را در قالب **بیوس پولیتیکوس** شهروندان آزاد، و بردگانی که آن آزادی را (زندگی سیاسی مشارکتی) تعریف کرد. ممکن می‌کردند. آزادی () نه رواقیون رادیکال‌ترین پاسخ را دادند: آزادی یک حق عام، بلکه یک امتیاز مشروط به درون انسان است، نه در دنیای بیرون-جنسیت، نژاد و ثروت بود. جنگ‌های حتی برده هم می‌تواند آزاد باشد اگر ایرانی-یونانی (۴۷۹-۴۹۰ ق.م.) آزادی را اراده‌اش را از وابستگی به امور خارجی رها با هویت جمعی پیوند زد. کند.

نتایج:

نقد:

آزادی=شهروندی	پایه‌ی آزادی مبتنی بر بردگی؟ تناقض
دموکراسی شد	بنیادی
رواقی‌گری به فردیت	درونی نادیده گرفتن ساختارهای
اهمیت داد	بیرونی
اساس حقوق طبیعی بعدی	ناتوانی در اصلاح نظام بردگی

۲.۲ موج دوم: اختیار، اراده و الهیات (قرون وسطی)

موج دوم | قرون وسطی | 500 – 1400 AD

بستر:

نظریه:

سقوط روم، تأسیس نهاد کلیسا، و **آگوستین**: اراده‌ی آزاد هست، اما گناه آن را کور کرده؛ آزادی واقعی=رهایی از گناه از طریق فیض الهی. جدال‌های الهیاتی بر سر گناه، فیض و اراده‌ی آزاد. سؤال اصلی: آیا انسان گناهکار اصلاً اراده‌ی آزاد دارد؟ این سؤال هم سیاسی بود، هم متافیزیکی. هم سیاسی بود، هم متافیزیکی. **توماس آکویناس**: تلفیق ارسطو و مسیحیت؛ عقل طبیعی می‌تواند به آزادی واقعی رهنمون شود. **غزالی**: اراده‌ی انسان در چارچوب قضا و قدر.

نتایج:	نقد:
تحلیل عمیق اراده و اختیار	تمرکز بر نجات فردی، نه آزادی سیاسی
پایه‌ی حقوق طبیعی توماسی	مشروعیت‌بخشی به سلسله‌مراتب کلیسا
گفتگوی اسلامی-مسیحی	تنش اراده‌ی آزاد/جبر حل‌نشده

۳.۲ موج سوم: حق طبیعی، قرارداد، و انقلاب (مدرن اولیه)

موج سوم | مدرن اولیه | 1600 – 1800

بستر:	نظریه:
جنگ‌های مذهبی، رنسانس، اصلاح دینی، انقلاب‌های انگلیس (۱۶۴۲ و ۱۶۸۸) و فرانسه (۱۷۸۹). آدام اسمیت، نیوتن، و علم جدید. پرسش: چه چیزی حکومت را مشروع می‌کند؟	هابز: آزادی=عدم مانع فیزیکی؛ آزادی طبیعی در برابر لویاتان. لاک: آزادی=حق مالکیت و حق طبیعی؛ رضایت پایه‌ی مشروعیت. روسو: آزادی واقعی=اطاعت از اراده‌ی عمومی که خود انسان آن را ساخته. کانت: آزادی=خودقانون‌گذاری عقل؛ اخلاق بدون ترس.
نتایج:	نقد:
اعلامیه‌های حقوق بشر دموکراسی لیبرال تفکیک قوا، سکولاریسم	قراردادگرایی انتزاعی زنان، بردگان، مستعمرات خارج ماندند تناقض روسو: اجبار به آزادی؟

۴.۲ موج چهارم: فردگرایی، رهایی، ایدئالیسم (قرن ۱۹)

موج چهارم | قرن نوزدهم | 1800 – 1914

بستر:

انقلاب صنعتی، شهرنشینی، پرولتاریا، **هگل**: آزادی=شناخت ضرورت + تحقق ناسیونالیسم. رشد اقتصاد بازار. عقل در تاریخ + دولت اخلاقی. بحران‌های اجتماعی ناشی از سرمایه‌داری. **میل**: آزادی=حق به حوزه‌ی خصوصی؛ رمانتیسم در برابر روشنگری. انقلاب‌های «اصل آسیب». ۱۸۴۸.

نظریه:

مارکس: آزادی واقعی=رهایی از کار بیگانه‌شده + نابودی طبقه. **نیچه**: آزادی=اراده‌ی قدرت؛ آزادی نه از قانون بلکه برای آفرینش.

نتایج:

احزاب کارگری و سوسیالیسم
حقوق مدنی، اتحادیه‌ها
نقد:
مارکسیسم: آزادی پس از انقلاب
هگل: دولت می‌تواند سرکوب کند
نیچه: الی‌تیسیم؟
فمینیسم موج اول

۵.۲ موج پنجم: آزادی منفی در برابر مثبت (قرن ۲۰)

موج پنجم | قرن بیستم | 1914 – 1990

بستر:

جنگ‌های جهانی، توتالیتاریسم (فاشیسم و استالینیسم)، جنگ سرد. نزاع لیبرالیسم و کمونیسم. استقلال کشورهای مستعمره. جنبش حقوق مدنی آمریکا. **برلین** (۱۹۵۸): آزادی منفی («آزادی از») در برابر مثبت («آزادی برای»). **هایک**: آزادی=نظم خودجوش؛ دولت رفاه=سرویلیتی. **آرنت**: آزادی=کنش در فضای عمومی، نه درون‌گرایی. **رالز**: آزادی=اولین اصل عدالت + توزیع عادلانه.

نظریه:

نتایج:

سند جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸

آزادی منفی از نابرابری چشم می‌پوشد

دولت رفاه سوسیال دموکرات

تیلور: برلین ناقص است

بازار آزاد نئولیبرال

پتیت: سلطه‌ی غیرتداخگر وجود دارد

نقد:

۶.۲ موج ششم: قابلیت، شناسایی، و رهایی بخشی (معاصر)

موج ششم | معاصر | 1990 – present

بستر:

پایان جنگ سرد، جهانی‌شدن، انفجار سن/نوسبام: آزادی=داشتن قابلیت‌های اطلاعات، بحران اقلیمی، جنبش‌های هویتی (MeToo, BLM)، دموکراسی‌های رو به تنزل. فناوری دیجیتال و نظارت. که تداخل نکند.

تیلور: آزادی=شناسایی و اعتراف به هویت.

فوکو/باتلر: آزادی=مقاومت در برابر گفتمان‌های نرمال‌ساز.

نظریه:

نتایج:

رویکرد قابلیت در سیاست توسعه

خطر نسبیت‌گرایی فرهنگی

سیاست‌های شناسایی

تنش قابلیت/کارایی اقتصادی

آزادی دیجیتال و حریم خصوصی

چه کسی قابلیت‌ها را تعریف می‌کند؟

نقد:

۳ تحلیل تطبیقی مفهوم آزادی در فلسفه‌ی سیاسی

۱.۳ مقدمه و روش‌شناسی

مفهوم آزادی یکی از پُرمناقشه‌ترین واژگان در فلسفه‌ی سیاسی است. به گفته‌ی آیزایا برلین، آزادی آنقدر معانی گوناگون دارد که «تاریخ این کلمه، آینده‌ی تاریخ بشریت است».^۱ این مقاله تلاش می‌کند نه آزادی را تعریف کند، بلکه **جغرافیای تعریف‌ها** را ترسیم نماید: این تعریف‌ها در پاسخ به چه پرسش‌هایی ظهور کردند، با چه رقیبانی درگیر شدند، و چه پیامدهایی داشتند. روش‌شناسی این مقاله ترکیبی از سه رویکرد است:

۱. **تحلیل تاریخی-مفهومی** (Cambridge School – Skinner, Pocock): هر مفهوم در بستر زبانی و تاریخی خود فهمیده می‌شود؛

۲. **تحلیل تطبیقی ساختاری**: مقایسه‌ی نظام‌مند تعبیر مختلف بر اساس پنج معیار: دشمن مفهومی، انسان‌شناسی، رابطه‌ی فرد/جامعه، موضع درباره‌ی دولت، و قلمرو کاربرد؛

۳. **تحلیل تنش‌های درونی**: شناسایی تناقضات و تنش‌های ناگزیر در هر نظریه.

۲.۳ آزادی منفی: از هابز تا برلین

۱.۲.۳ صورت‌بندی اولیه: هابز – توماس هابز در لویاتان (۱۶۵۱) آزادی را به‌صورتی کاملاً مکانیکی تعریف کرد: «یک انسان آزاد کسی است که در انجام آنچه اراده، قدرت، و فهم دارد، هیچ مانعی نداشته باشد».^۲ این تعریف عمداً فرد را اتم فیزیکی فرض می‌کند که در فضای اجتماعی حرکت می‌کند: آزادی=غیبت مانع خارجی. پیامد مهم این است که قانون=هر قانونی=به خودی خود محدودیت آزادی است، حتی اگر توسط خود فرد پذیرفته شده باشد.

این صورت‌بندی بنیادین ضعیفی دارد: اگر کسی در قفس طلایی باشد که هیچ‌گاه در آن توقیف نمی‌کند (چون هرگز نمی‌خواهد از قفس خارج شود)، آیا آزاد است؟ برلین این مشکل را بعدها با مثال «بیماری» توضیح داد.

۲.۲.۳ کمال‌یابی با آیزایا برلین – مقاله‌ی کلاسیک آیزایا برلین، «دو مفهوم از آزادی» (۱۹۵۸)، تمایز تأثیرگذاری میان **آزادی منفی** و **آزادی مثبت** کشید:

Berlin, I. (1969). *Four Essays on Liberty*. Oxford University Press, p. 121.^۱

Hobbes, T. (1651/1994). *Leviathan*. Indianapolis: Hackett, ch. 21.^۲

تمایز برلین

آزادی منفی (Negative):	آزادی مثبت (Positive):
«آزادی از»	«آزادی برای»
پرسش: آیا کسی مانع من است؟	پرسش: چه کسی ارباب من است؟
دشمن: اجبار و مداخله	دشمن: وابستگی، عقلانیت ناقص
مقیاس: حوزه‌ی بدون مانع	مقیاس: کنترل بر خود و زندگی

برلین نگران آن بود که آزادی مثبت می‌تواند به **توتالیتاریسم** منجر شود: اگر دولت ادعا کند که «خود واقعی» شما را—که ظاهراً می‌خواهد در سوسیالیسم زندگی کند—از «خود تجربی» شما که می‌خواهد سیگار بکشد، جدا کند، دولت می‌تواند اجبار را در نقاب آزادی پنهان کند.

۳.۲.۳ نقدهای وارد بر برلین – چارلز تیلور استدلال کرد که تمایز برلین ساده‌انگارانه است: آزادی منفی هم همیشه به ارزیابی‌ای درباره‌ی اهمیت اهداف نیازمند است. ما همیشه بین موانع مهم و کم‌اهمیت تمایز می‌گذاریم—یعنی ناخودآگاه به آزادی مثبت تکیه داریم.^۳

جرالد مک‌لوم پیشنهاد کرد که آزادی همیشه یک رابطه‌ی سه‌تایی است: X از Y آزاد است برای انجام Z. هر اظهاری درباره‌ی آزادی ضمناً درباره‌ی هر سه پارامتر حرف می‌زند.^۴

۳.۳ آزادی مثبت: از روسو تا تیلور

سنت آزادی مثبت ریشه در ایده‌ی خودفرمانی دارد. **ژان ژاک روسو** معتقد بود آزادی واقعی نه اطاعت از قانون دیگری، بلکه اطاعت از قانونی است که خود انسان وضع کرده: «اطاعت از قانونی که خود برای خود نوشته‌ایم آزادی است».^۵

این سنت از طریق **کانت**—که خودقانون‌گذاری عقل عملی را کانون اخلاق و آزادی دانست—به ایدئالیسم آلمانی و سپس به لیبرالیسم تجدیدنظرطلب انگلیسی (تی.اچ. گرین، بوزانکه) رسید.

تی.اچ. گرین مهم‌ترین صورت‌بندی را ارائه داد: آزادی واقعی نه «رهایی از همه‌ی محدودیت‌ها»، بلکه «قدرت مثبت برای انجام یا لذت‌بردن از چیزی ارزشمند» است.^۶ این صورت‌بندی آزادی را با توسعه‌ی توانایی‌های انسانی پیوند زد و پایه‌ی دولت رفاه را ریخت.

۴.۳ آزادی جمهوری خواهانه: عدم سلطه

^۳ Taylor, C. (1979). What's wrong with negative liberty? In A. Ryan (Ed.), *The Idea of Freedom*. Oxford.

^۴ MacCallum, G. (1967). Negative and positive freedom. *Philosophical Review*, 76(3), 312–334.

^۵ Rousseau, J.-J. (1762/1968). *The Social Contract*. Harmondsworth: Penguin, Book I, ch. 8.

^۶ Green, T.H. (1881). Liberal legislation and freedom of contract. In R.L. Nettleship (Ed.), *Works of T.H.*

Green. London.

فیلیپ پتیت در جمهوری خواهی (۱۹۹۷) رویکرد سومی معرفی کرد که ادعا می کند از هر دو سنت قبلی رادیکال تر است:

آزادی به مثابه عدم سلطه

آزادی منفی برلین می گوید: آزادم مادامی که کسی مداخله نکند. اما این کافی نیست. یک برده در دست ارباب مهربانی که اتفاقاً هرگز مداخله نمی کند همچنان **برده** است— چون ارباب می تواند مداخله کند. **عدم سلطه** یعنی دیگران حتی قدرت مداخله ی دلخواهانه را نداشته باشند.^a

Pettit, P. (1997). *Republicanism: A Theory of Freedom and Government*. Oxford: Clarendon Press,^a
p. 52.

پتیت برای تأمین عدم سلطه، به نهادهای جمهوری خواه نیاز دارد: حاکمیت قانون، تفکیک قوا، مشارکت مدنی، و مقاومت برابر تجمع قدرت. این دیدگاه در دو دهه ی اخیر در نظریه ی دموکراسی مشارکتی و نقد نئولیبرالیسم بسیار تأثیرگذار بوده است. **کوئنتین اسکینر** از منظر تاریخ نگاری کمبریج استدلال کرد که این مفهوم اصالتاً ریشه ی جمهوری خواه رومی دارد—در برابر سنت هابزی که آن را حذف کرد.^v

۵.۳ رویکرد قابلیت: سن و نوسبام

آمارتیا سن رویکرد قابلیت (Capability Approach) را در اواخر دهه ی ۱۹۸۰ معرفی کرد که بعداً **مارتا نوسبام** آن را به شکل جامع تری توسعه داد. پرسش محوری این رویکرد: آزادی فرمال کافی نیست؛ مهم است که آیا مردم واقعاً قادر به استفاده از آزادی های خود هستند؟

قابلیت های مرکزی نوسبام

نوسبام فهرستی از ده قابلیت اساسی ارائه می دهد که هر جامعه ای باید آنها را تضمین کند، از جمله: زندگی، سلامت جسمی، تمامیت جسمانی، حواس/تخیل/اندیشه، احساسات، عقل عملی، ارتباط اجتماعی، ارتباط با دنیای طبیعی، بازی، و کنترل محیط سیاسی.^a

Nussbaum, M. (2011). *Creating Capabilities: The Human Development Approach*. Harvard University Press, pp. 33–34.

آزادی در رویکرد قابلیت دوگانه است: آزادی فرصت (داشتن گزینه ها) و آزادی فرآیند (تعیین سرنوشت). هر دو ضروری هستند. این رویکرد نزدیک ترین نظریه به سنت آزادی مثبت است، اما با پایه ی تجربی تر و حساسیت بیشتر به تفاوت های فردی و بستری.

۶.۳ آزادی در مکاتب راست، چپ، و میانه

Skinner, Q. (1998). *Liberty before Liberalism*. Cambridge University Press.^v

یکی از جالب‌ترین ابعاد مفهوم آزادی این است که هر طیف سیاسی ادعا می‌کند حامی اصیل آن است. جدول زیر این مواضع را به صورت تطبیقی نشان می‌دهد:

جدول ۲: آزادی در مکاتب سیاسی: مقایسه‌ی تطبیقی

معیار	راست کلاسیک (لیبرتاریانیسم)	لیبرالیسم میانه	سوسیال‌دموکراسی	مارکسیسم
تعریف آزادی	عدم مداخله‌ی دولت	عدم مداخله + امکانات	قابلیت‌های واقعی	رهایی از کار بیگانه
دشمن اصلی	دولت و مالیات	استبداد + فقر	نابرابری ساختاری	سرمایه‌داری
رابطه با دولت	دولت حداقلی	دولت میانجی	دولت رفاه	دولت انتقالی
انسان‌شناسی	فرد اتمیستیک	فرد اجتماعی	شهروند اجتماعی	موجود طبقاتی
مشروعیت نابرابری	کامل (بازار)	مشروط (رالز)	محدود	نفی کامل
آزادی اقتصادی	اولویت اول	با بازتوزیع	تنظیم‌شده	جمعی‌شده
متفکران شاخص	هایک، فریدمن، نوزیک	رالز، دورکین، میل	برلین (اصلاح‌شده)، سن	مارکس، لوکاچ، گرامشی

۱.۶.۳ تنش‌های ساختاری: سه بحران اصلی –

۱. **تنش فرد/جامعه:** همه‌ی نظریه‌های آزادی با این چالش دست‌وپنجه نرم می‌کنند که آزادی فرد تا کجاست و آزادی جمع از کجا آغاز می‌شود. لیبرالیسم کلاسیک به فرد تقدم می‌دهد؛ جمهوری‌خواهی به فضای عمومی؛ مارکسیسم به طبقه.

۲. **تنش صوری/واقعی:** آزادی فرمال (حق رأی برابر) و آزادی واقعی (قدرت استفاده از آن حق) همیشه یکی نیستند. رویکرد قابلیت و سوسیال‌دموکراسی این شکاف را جدی‌ترین معضل می‌دانند.

۳. **تنش آزادی/امنیت:** هر گسترش آزادی‌های خاصی، گاهی امنیت یا برابری را به خطر می‌اندازد. این تنش در فلسفه‌ی سیاسی همیشه «حل‌نشده» باقی می‌ماند.

۷.۳ آزادی اگزیستانسیالیستی: انتخاب، مسئولیت، هستی

سنت اگزیستانسیالیستی آزادی را نه مسئله‌ی حقوق یا نهادها، بلکه ساختار هستی انسان می‌داند. ژان پل سارتر معروف‌ترین گزاره را بیان کرد: «وجود بر ماهیت تقدم دارد» – انسان چیزی نیست مگر آنچه خود می‌سازد؛ از این رو «محکوم به آزادی» است.^۸

هانا آرنست از زاویه‌ای سیاسی‌تر، آزادی را با کنش (action) پیوند زد: آزادی تنها در فضای عمومی و در لحظه‌ی شروع امر نو تحقق می‌یابد. این نگاه عمیقاً ضد روان‌شناسانه است – آزادی در درون ذهن نیست، بلکه در «بین ما» (inter homines esse) است.^۹

۸.۳ آزادی فمینیستی و پسااستعماری

فمینیسم به‌خصوص از دهه‌ی ۱۹۷۰، نشان داد که مفاهیم لیبرالی آزادی بر انسانی نرینه، سفیدپوست، و طبقه‌ی متوسط بنا شده‌اند. کارول پیتمن استدلال کرد که قرارداد اجتماعی اصلاً یک «قرارداد جنسی» است که زنان را در حوزه‌ی خصوصی محبوس می‌کند.^{۱۰}

سنت پسااستعماری (فانون، اسپیواک، بابا) نشان داد که مفهوم مدرن آزادی با استعمار هم‌زمان بوده: اروپا درباره‌ی آزادی انسان سخن می‌گفت، در حالی که بخش عظیمی از بشریت را استثمار می‌کرد. آزادی پسااستعماری باید این تاریخ تراژیک را در خود حمل کند.

^۸ Sartre, J.-P. (1946/2007). *Existentialism is a Humanism*. New Haven: Yale University Press, p. 29.

^۹ Arendt, H. (1961). *Between Past and Future*. New York: Viking, pp. 143–171.

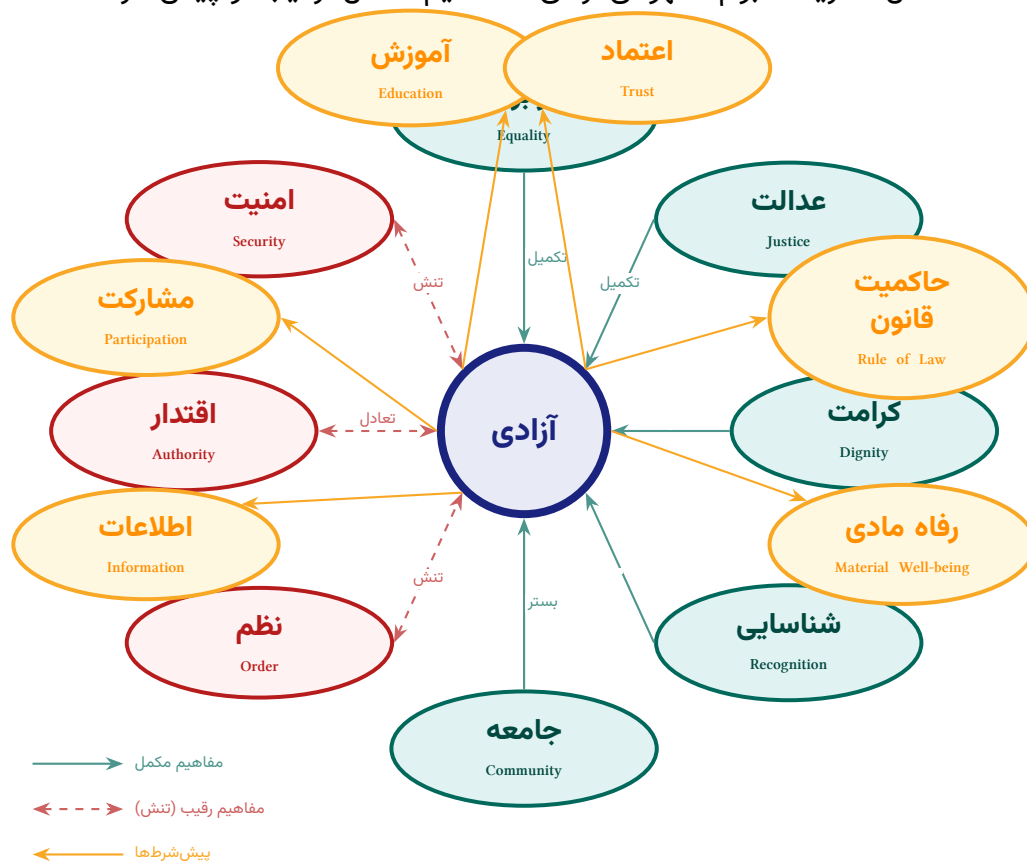
^{۱۰} Pateman, C. (1988). *The Sexual Contract*. Stanford University Press.

۴ مفاهیم مجاور و زیست‌بوم مفهومی آزادی

آزادی هرگز تنها نمی‌ایستد. آن را باید در یک «زیست‌بوم مفهومی» دید: مجموعه‌ای از مفاهیم که یا آزادی را تکمیل می‌کنند، یا با آن در تنش‌اند، یا شرط لازم آن هستند.

۱.۴ نقشه‌ی زیست‌بوم مفهومی آزادی

شکل ۵: زیست‌بوم مفهومی آزادی: مفاهیم مکمل، رقیب، و پیش‌شرط



۲.۴ مفاهیم مجاور: تشریح تطبیقی

۱. برابری در کنار آزادی

شاید بزرگ‌ترین تنش در فلسفه‌ی سیاسی، تنش آزادی-برابری است. **نوزیک** استدلال کرد که هر توزیع عادلانه برای تداوم نیازمند «نقض پیوسته‌ی آزادی» است.^a در نقطه‌ی مقابل، **رالز** آزادی‌های اساسی را بر برابری‌های اقتصادی مقدم می‌داند اما معتقد است آزادی‌های واقعی نیازمند حداقلی از برابری اجتماعی است.

Nozick, R. (1974). *Anarchy, State, and Utopia*. New York: Basic Books, p. 163.^a

۲. عدالت و آزادی

جان رالز استدلال کرد که «اصل آزادی» در اولویت اول قرار دارد—حتی قبل از عدالت اقتصادی. اما این دیدگاه پرسشی می‌گشاید: آیا آزادی بدون عدالت واقعی است؟ **آمارتیا سن** در نقد رالز نشان داد که عدالت بدون در نظر گرفتن «توانایی‌های واقعی» افراد انتزاعی می‌ماند.

۳. امنیت در برابر آزادی

این تنش در دوران پس از ۱۱ سپتامبر به‌ویژه شدت گرفت. **هابز** استدلال کرد امنیت شرط لازم آزادی است؛ اما چه مقدار امنیت توجیه‌گر کاهش آزادی است؟ بنیامین فرانکلین گفت کسی که آزادی را برای امنیت موقت می‌فروشد نه آزادی دارد نه امنیت.

۴. کرامت و آزادی

کرامت انسانی مفهومی است که در حقوق بین‌الملل بشری عمیقاً با آزادی گره خورده است. اما تنش وجود دارد: کرامت گاهی محدودیت‌هایی بر «آزادی بیان» ایجاد می‌کند—چنان‌که ممنوعیت «هتک حرمت» در برخی نظام‌های حقوقی. **جرمی والدرون** استدلال کرد این تنش اساساً حل‌پذیر نیست.

۵. شناسایی و آزادی

چارلز تیلور و **اکسل هونت** استدلال کردند که آزادی بدون شناسایی ناممکن است. انسانی که هویتش انکار می‌شود (از طریق تحقیر، بی‌دیدگی، یا طرد) نمی‌تواند آزاد باشد، حتی اگر هیچ «مانع قانونی» نداشته باشد. این نگاه پایه‌ی «سیاست‌های شناسایی» معاصر است.

۳.۴ دشمنان مفهومی: فهرست تفصیلی

جدول ۳: دشمنان مفهومی آزادی: تعریف، مکتب مقابله‌کننده، و نمونه‌ی تاریخی

دشمن مفهومی	تعریف	مکتب مقابله‌کننده	نمونه‌ی تاریخی
بردگی	سلب مالکیت فرد بر خود	باستان، آبولیشنیسم	رُم، جنوب آمریکا
استبداد	اقتدار دلبخواهانه‌ی حاکم	جمهوری‌خواهی، لیبرالیسم	نازیسم، استالینیسم
سلطه	قدرت بدون تداخل ضروری	پتیت، جمهوری‌خواهی	ارباب-رعیتی
اجبار	فشار ارادی بر اراده‌ی دیگری	لیبرالیسم کلاسیک	تهدید، باج‌گیری
از خودبیگانگی	جدایی انسان از کارش و طبیعتش	مارکسیسم	کار صنعتی کارخانه‌ای
پدرسالاری	تصمیم‌گیری «برای خیر» دیگری	لیبرالیسم، اتونومیسم	دولت‌های پدرسالار
محرومیت	فقدان قابلیت‌های اساسی	رویکرد قابلیت	فقر شدید، بی‌سوادی
نرمال‌سازی	قدرت گفتمان‌های طبیعی‌کننده	فوکو، پسامدرنیسم	جنسیت، دیوانگی
بی‌شناسایی	انکار هویت و کرامت	تیلور، هونت	نژادپرستی، تحقیر سیستماتیک
استثمار	بهره‌کشی از کار دیگری	مارکسیسم، چپ	سرمایه‌داری انحصاری
جهل اپیستمیک	سکوت دادن به دانش دیگری	فریگر	تجربه‌ی گروه‌های حاشیه‌ای

۵ آثار اصلی نظریه‌پردازان: راهنمای مطالعه

راهنمای استفاده از این جدول

آثار به ترتیب اهمیت و تأثیرگذاری تاریخی فهرست شده‌اند. ستون «دشواری» بیانگر پیچیدگی متن برای خواننده‌ی فارسی‌زبان است.
 = تخصصی | = نیمه‌تخصصی | = قابل دسترس

نظریه‌پرداز	اثر اصلی	سال	سطح	مفهوم محوری
ارسطو	سیاست (Politics)	350 BC		آزادی=شهروندی سیاسی
آگوستین	اراده‌ی آزاد (De Libero Arbitrio)	395 AD		اراده، فیض، گناه
هابز	لویاتان (Leviathan)	1651		آزادی=غیبت مانع
لاک	دو رساله درباره‌ی حکومت	1689		حق طبیعی، رضایت
روسو	قرارداد اجتماعی	1762		اراده‌ی عمومی
کانت	نقد عقل عملی	1788		خودقانون‌گذاری
میل	درباره‌ی آزادی (On Liberty)	1859		اصل آزادی، آسیب، فردیت
هگل	فلسفه‌ی حق	1820		آزادی=تحقق عقل
مارکس	دست‌نوشته‌های اقتصادی-فلسفی	1844		بیگانگی، رهایی
کنستان	آزادی باستانی‌ها و مدرن‌ها	1819		آزادی مدرن/باستانی
برلین	دو مفهوم از آزادی	1958		منفی/مثبت
هایک	قانون، قانون‌گذاری، و آزادی	1973		نظم خودجوش
رالز	نظریه‌ای درباره‌ی عدالت	1971		اصول عدالت
آرنت	بین گذشته و آینده	1961		آزادی=کنش
نوزیک	آنارشی، دولت، و اتوپیا	1974		حقوق فردی، حداقل دولت
مکالوم	آزادی منفی و مثبت (مقاله)	1967		سه‌تایی آزادی
پتیت	جمهوری‌خواهی (Republicanism)	1997		عدم سلطه
اسکینر	آزادی قبل از لیبرالیسم	1998		ریشه‌ی جمهوری‌خواه

ادامه دارد...

نظریه پرداز	اثر اصلی	سال	سطح	مفهوم محوری
تیلور	فلسفه و علوم انسانی (مقاله‌ی آزادی)	1979		آزادی+ارزشیابی
تیلور	منابع خود (<i>Sources of the Self</i>)	1989		هویت، شناسایی
سن	توسعه به مثابه آزادی	1999		قابلیت، رهایی
نوسبام	ایجاد قابلیت‌ها	2011		قابلیت‌های مرکزی
سارتر	اگزیزتانسیالیسم و اومانیسم	1946		محکومیت به آزادی
هایدگر	هستی و زمان (بخش‌هایی)	1927		آزادی=گشودگی
فوکو	نظم گفتمان	1970		قدرت، مقاومت
باتلر	دردسر جنسیت (<i>Gender Trouble</i>)	1990		آزادی=برهم‌زدن نرم
هونت	کشمکش برای شناسایی	1992		شناسایی=آزادی
فانون	دوزخیان زمین	1961		رهايي استعمارزده
پیتمن	قرارداد جنسی (<i>Sexual Contract</i>)	1988		فمینیسم، قرارداد
فریگر	عدالت اپیستمیک	2007		آزادی شناختی

آ پیوست الف: آزادی در سنت اسلامی-ایرانی

درباره‌ی این پیوست

این پیوست به سه بحث اصلی می‌پردازد: (۱) تقابل مفهوم آزادی اسلامی با بردگی یونانی؛ (۲) تنش آزادی و استبداد در حکمرانی اسلامی-ایرانی؛ و (۳) بحث ایران‌شهری و دیدگاه‌های طبقه‌بندی‌شده درباره‌ی اسلام و آزادی.

۱. آ ۱ – آزادی در برابر بردگی: تقابل اسلام و یونان باستان

۱.۱. آ وضعیت بردگی در پولیس یونانی – همان‌طور که بیان شد، آزادی یونانی () بر پایه‌ی نظام برده‌داری ممکن بود. **ارسطو** بردگی را «طبیعی» می‌دانست: برخی انسان‌ها به‌طور طبیعی برده‌اند و قادر به خودگردانی نیستند.^{۱۱} این نگاه آزادی سیاسی را برای اقلیت محفوظ می‌کرد و اکثریت را از آن محروم.

۲.۱. آ پاسخ اسلامی: توحید و کرامت عمومی – اسلام از همان آغاز با رویکردی متفاوت وارد این مسئله شد. مفهوم توحیدی خداوند در اسلام پیامدی مستقیم برای آزادی داشت: اگر تنها خداوند ربّ است، پس هیچ انسانی به‌طور ذاتی «ربّ» انسان دیگری نیست.

«يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ» (حجرات: ۱۳)

این آیه کرامت عمومی بشر را اعلام می‌کند. اگرچه اسلام بردگی را به‌طور فوری لغو نکرد، اما دو تحول مهم ایجاد کرد: (۱) **تشویق به آزادسازی برده** (itq) به‌عنوان عبادت؛ (۲) **محدودیت منابع بردگی** به اسرای جنگ – که خود بحث‌برانگیز بود.

۳.۱. آ مقایسه‌ی تطبیقی: اسلام در برابر یونان –

۲. آ ۲ – آزادی و استبداد در حکمرانی: تنش اصلی سنت اسلامی-ایرانی

اگر اسلام از یک سو کرامت عمومی را اعلام کرد، از سوی دیگر با معضل پیچیده‌ای روبرو شد: چه کسی و با چه مشروعیتی باید حکومت کند؟

۱.۲. آ ساختار کلاسیک: امامت، خلافت، و سلطنت – سه نهاد تاریخی اصلی در دنیای اسلامی برای حکمرانی وجود داشته:

^{۱۱} Aristotle, *Politics*, I, 2, 1252a–1255b.

جدول ۵: مقایسه‌ی رویکرد اسلامی و یونانی به بردگی و آزادی

معیار	یونان باستان	سنت اسلامی
پایه‌ی کرامت	طبیعت (فوسیسی) – طبیعی بودن بردگی	توحید – همه انسان‌ها عبد خدا
نگاه به بردگی	طبیعی و ضروری (ارسطو)	مجاز اما مستحب‌الزوال
منبع آزادی	شهروندی سیاسی	عبودیت خدا (نه انسان دیگر)
کرامت عمومی	خیر – فقط شهروندان	بله – همه انسان‌ها مکرم
مسیر رهایی	بازخريد، آزادسازی	تشویق شرعی به آزادسازی
آزادی سیاسی	اساسی و هدف	وسیله برای تکلیف الهی
تناقض اصلی	آزادی بر بردگی بنا شده	سازگاری بردگی با کرامت انسانی

۱. **امامت** (دیدگاه شیعی): امام منصوب از سوی خدا/پیامبر؛ اطاعت از امام واجب است اما امام عادل باید باشد.

۲. **خلافت** (دیدگاه سنی کلاسیک): خلیفه نماینده‌ی امت است؛ باید عدالت را اجرا کند اما مشروعیتش دست‌کم تا حدی از بیعت می‌آید.

۳. **سلطنت** (Mulk): قدرت واقعی سیاسی که متکلمان اغلب آن را از لحاظ اخلاقی مشکوک می‌دانستند.

ابن‌خلدون در مقدمه تحلیل جامعه‌شناختی منحصربه‌فردی از قدرت ارائه داد: قدرت طبیعتاً رو به فساد می‌رود (asabiyya رو به زوال است)، و آزادی در نظام سلطانی ذاتاً شکننده است.^{۱۲}

۲.۲.آ بحث آزادی در اندیشه‌ی متکلمان –

فقه‌الحریه: مفهوم آزادی در فقه و کلام اسلامی

حرّیت (آزادی) در فقه اسلامی اول و آخر یک وضعیت حقوقی بود: در برابر عبودیت (بردگی). اما متکلمان آن را به دو حوزه‌ی مهم گسترش دادند:

الف. اختیار و جبر: بحث اصلی کلامی درباره‌ی آزادی اراده. معتزله اختیار انسانی را کامل می‌دانستند؛ اشاعره اراده‌ی الهی را مقدم می‌گرفتند؛ ماتریدیه موضعی میانه داشتند.

ب. آزادی سیاسی: امر به معروف و نهی از منکر به‌عنوان یک نهاد آزادی‌بخش – مشروط که قدرت حاکم را هم در بر می‌گیرد. اما در عمل این نهاد غالباً به حاشیه رانده شد.

^{۱۲} Ibn Khaldun, *Muqaddimah*, tr. F. Rosenthal (Princeton, 1958), I, pp. 280–295.

۳.آ ۳.آ – بحث ایران‌شهری: آزادی در سنت اندیشه‌ی سیاسی ایرانی

داریوش شایگان و به‌ویژه سیدجواد طباطبایی بحث «ایران‌شهری» را مطرح کرده‌اند: آیا در سنت اندیشه‌ی ایرانی، مفهوم آزادی سیاسی به معنای مدرن آن وجود داشته؟

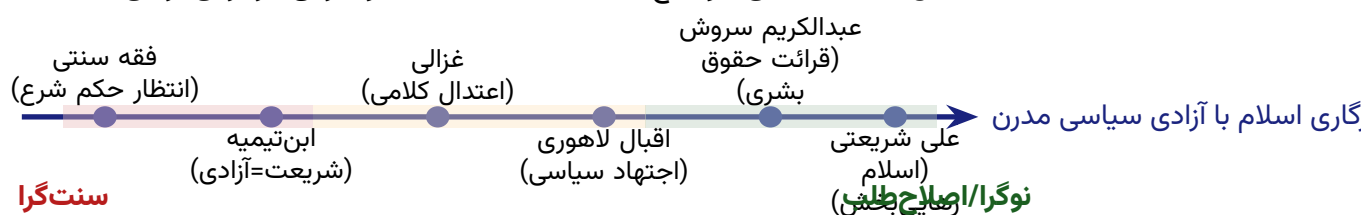
۱.۳.آ سنت اندرنامه‌ای و عدالت پادشاهی – در سنت اندرنامه‌نویسی ایرانی (از خدای‌نامه تا سیاست‌نامه‌ی نظام‌الملک)، آزادی مستقیماً مطرح نیست. آنچه هست مفهوم **عدالت** (dad) پادشاه است: پادشاه عادل نه از مردم باج ناروا می‌گیرد و نه بی‌دلیل زجر می‌دهد. این نوعی «آزادی از ظلم» است – نه آزادی مشارکت سیاسی.

«پادشاهی و دین دو برادرند که هیچ‌گاه یکدیگر را رها نمی‌کنند. هر زمان که در دین خلل افتاد، در پادشاهی نیز خلل می‌افتد.» – نظام‌الملک، سیاست‌نامه

این سنت هرچند استبداد را محدود می‌کند، اما آزادی را از پایین نمی‌سازد – از بالا آن را «اعطا» می‌کند.

۲.۳.آ انتقاد طباطبایی: افول اندیشه‌ی سیاسی ایرانی – سیدجواد طباطبایی استدلال می‌کند که در دوران ورود اسلام، «ایران‌شهر» – سنت اندیشه‌ی سیاسی ایرانی که بر پادشاهی آرمانی و عدالت بنا شده بود – با اسلام تلفیق شد، اما این تلفیق ناقص بود: اسلام سیاسی نه از سنت مشارکت یونانی، نه از سنت عدالت ایرانی به‌طور کامل بهره برد.^{۱۳}

شکل ۶: طیف‌بندی مواضع اندیشمندان مسلمان و ایرانی درباره‌ی آزادی



۳.۳.آ طبقه‌بندی مواضع درباره‌ی اسلام و آزادی –

^{۱۳} طباطبایی، س.ج. (۱۳۸۵). ابن‌خلدون و علوم اجتماعی. تهران: ققنوس.

جدول ۶: طبقه‌بندی رویکردهای اسلامی به آزادی سیاسی

رویکرد	تعریف آزادی	نمایندگان	نقد اصلی
فقه سنتی	آزادی=اجرای احکام شرع	فقهای کلاسیک	ناتوانی در پاسخ به دولت مدرن
اسلام سیاسی	آزادی=اجرای شریعت توسط دولت اسلامی	قطب، مودودی	خلط دین و سیاست
اصلاح‌طلبی کلاسیک	آزادی از استبداد شرقی، پذیرش نهادهای مدرن	عبده، کواکبی	سازگاری ناقص
رهایی‌بخشی اسلامی	آزادی=رهایی از استثمار و استثمار	شریعتی، قرضاوی	آمیختگی با ناسیونالیسم
نوهرمנותیک	آزادی=بازخوانی نصوص با تأکید بر کرامت	سروش، شبستری	متهم به سکولاریسم
اسلام لیبرال	جدایی دین از دولت، حقوق بشر جهانی	المسیری، النعیم	کم‌پایگاه در جوامع مسلمان

ب پیوست ب: تشریح تکمیلی نکات تحلیلی

ب.۱ – انسان‌شناسی زیربنایی هر مکتب

مقدمه: هر نظریه‌ی آزادی یک تصویر از انسان دارد

پیش‌فرض‌های انسان‌شناختی تعیین‌کننده‌ترین عامل در شکل‌گیری نظریه‌های آزادی هستند. اگر انسان را موجودی اجتماعی بدانی یا اتمیستیک، خودبسنده یا وابسته، عاقل یا احساساتی-پاسخ تو به «آزادی چیست» کاملاً تغییر خواهد کرد.

ب.۲ – تنش‌های ساختاری: پنج بحران حل‌نشده

تنش ساختاری اول: آزادی فردی در برابر آزادی جمعی

صورت‌بندی: تا کجا آزادی فرد مجاز است بر جامعه تأثیر بگذارد؟ اصل آسیب میل می‌گوید: تنها زمانی که به دیگران آسیب می‌زند. اما «آسیب» چه معنایی دارد؟ آیا فساد اخلاقی جامعه آسیب است؟ آیا برخی انتخاب‌های سبک زندگی بر فرهنگ مشترک آسیب می‌زند؟

جدول ۷: انسان‌شناسی زیربنایی مکاتب اصلی آزادی

مکتب	تصویر انسان	توانایی اصلی	خطر اصلی برای انسان	نتیجه‌ی سیاسی
لیبرالیسم کلاسیک	اتم عاقل و خودبسنده	محاسبه‌ی منفعت شخصی	مداخله‌ی دولت	دولت حداقلی + بازار
لیبرالیسم ارزش‌مبنا	موجود اجتماعی با پروژه‌ی خودشکوفایی	اراده‌ی اخلاقی + عقل	محرومیت + اجبار	دولت رفاه محدود
جمهوری‌خواهی	شهروند سیاسی نیازمند مشارکت	کنش در فضای عمومی	سلطه‌ی خصوصی و عمومی	نهادهای مدنی قوی
مارکسیسم	موجود طبقاتی-تولیدی	کار خلاق غیربیگانه	استثمار اقتصادی	انقلاب + جامعه‌ی بی‌طبقه
فمینیسم	موجود جنسیتی-بدنمند	عاملیت زنانه	پدرسالاری + خشونت	سیاست جنسیتی
اگزیستانسیالیسم	موجود رها در وجود + بدون ماهیت ثابت	انتخاب اصیل	فرار از مسئولیت (بدایمانی)	اخلاق فردی
رویکرد قابلیت	موجود با قابلیت‌های خاص، متفاوت	شکوفایی چندبُعدی	محرومیت قابلیت	سیاست توسعه‌ی انسانی
سنت اسلامی (سنتی)	عبد-خلیفه (بنده و جانشین خدا)	تکلیف الهی	گناه + طغیان	شریعت + امارت
سنت اسلامی (اصلاح‌طلب)	موجود کرامتمند با اجتهاد	عقل + ایمان	استبداد + استعمار	دموکراسی + اسلام
پسامدرنیسم (فوکو)	موجود ساخته‌شده توسط گفتمان	مقاومت و بازتعریف خود	نرمال‌سازی قدرت	سیاست‌های هویتی

گرهگاه: این تنش در مباحث آزادی بیان (نفرت‌پراکنی)، آزادی مذهب، و آزادی سبک زندگی امروز کاملاً زنده است.

پاسخ‌های رقیب:

- لیبرالیسم: تنها آسیب‌های مستقیم مجاز هستند محدودیت را توجیه کنند.
- جامعه‌گرایی: آزادی اجتماعی-نه فردی-اصل است؛ جامعه مجاز به محدود کردن خودفروپاشی است.
- پتیت: تداخل تنها زمانی ناقض آزادی است که دلبخواهانه باشد-نه آنگاه که بر اساس قانون و با مشارکت همگان صورت گیرد.

تنش ساختاری دوم: آزادی صوری در برابر آزادی واقعی

صورت‌بندی: حق رأی یکسان برای همه وجود دارد. اما کسی که بی‌سواد است، در فقر زندگی می‌کند، و رسانه‌ها دسترسی ندارد-آیا واقعاً آزاد است که رأی بدهد؟

گرهگاه: تمایز «آزادی از» (رفع مانع قانونی) و «آزادی برای» (توانایی واقعی) اینجا نقطه‌ی تقابل اصلی است.

پاسخ‌های رقیب:

- لیبرتاریانیسم: آزادی صوری کافی است؛ نابرابری نتیجه‌ی انتخاب‌های آزاد است.
- رالز: اولین اصل آزادی‌های اساسی را تضمین می‌کند، اما اصل دوم از نابرابری‌های مضر جلوگیری می‌کند.
- سن: بدون قابلیت‌های واقعی، آزادی صوری بی‌معناست.

تنش ساختاری سوم: آزادی و اقتدار

صورت‌بندی: هر نظام سیاسی نوعی اقتدار دارد. حتی لیبرالیسم حداقلی به دولت نیاز دارد تا حقوق را اجرا کند. پس نظم اجتماعی همیشه «آزادی» را محدود می‌کند. سؤال این نیست که آیا محدودیت باشد، بلکه کدام محدودیت و از طریق چه روندی.

گرهگاه: مشروعیت اقتدار چه رابطه‌ای با آزادی دارد؟

- هابز: اقتدار قوی شرط لازم آزادی است-بدون لویاتان، آزادی طبیعی به جنگ همه علیه همه تبدیل می‌شود.
- لاک: اقتدار تنها وقتی مشروع است که از رضایت مبتنی بر حق طبیعی برآمده باشد.
- آرنست: اقتدار و آزادی هر دو به فضای عمومی نیاز دارند؛ یکی بدون دیگری ممکن نیست.

تنش ساختاری چهارم: آزادی و هویت

صورت‌بندی: آیا آزادی مستلزم «خود بدون تعهد» (Unencumbered Self) است – چنان‌که لیبرالیسم کانتی فرض می‌کند – یا ما همیشه درون یک سنت، فرهنگ، و هویت آزادیم؟

مایکل سندل استدلال کرد که «خود بدون تعهد» توهمی است: ما از پیش در جوامع اخلاقی فرو رفته‌ایم که آزادی ما را شکل می‌دهند.^a

پاسخ لیبرال: ما می‌توانیم از هویت‌های خود انتقادی داشته باشیم. آزادی نه خلاء است، بلکه توانایی بازنگری در تعهدات است.

Sandel, M. (1982). *Liberalism and the Limits of Justice*. Cambridge University Press, p. 179.^a

تنش ساختاری پنجم: آزادی و مسئولیت

صورت‌بندی: اگر آزادی واقعی است، پس مسئولیت کامل هم واقعی است. اما اگر شرایط اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی انتخاب‌های ما را محدود می‌کنند، آیا «مسئولیت کامل» عادلانه است؟

سارتر: هیچ بهانه‌ای قابل قبول نیست. «محکوم به آزادی» یعنی محکوم به مسئولیت کامل.

مارکسیسم: این ایدئولوژی «مسئولیت شخصی» است که فقر ساختاری را توجیه می‌کند.

رالز: جایگاه اجتماعی-اقتصادی را انتخاب نکرده‌ایم؛ عدالت باید «شانس‌های دلبخواهانه» را خنثی کند.

ب.۳ – سنت تحلیلی و قاره‌ای: یک گفتگوی ناتمام

یکی از مهم‌ترین شکاف‌های فلسفه‌ی معاصر، شکاف بین سنت **تحلیلی** و **قاره‌ای** است. هر دو درباره‌ی آزادی حرف می‌زنند، اما نه به یک زبان.

در دهه‌های اخیر تلاش‌هایی برای گفتگوی این دو سنت صورت گرفته. **هابرماس** با «نظریه‌ی کنش ارتباطی» (Communicative Action) تلاش کرد دقت سنت تحلیلی را با عمق سنت قاره‌ای ترکیب کند: آزادی نه در ذهن فردی بلکه در فضای گفتگوی غیرتحریف‌آمیز (ایده‌آل گفتاری) تحقق می‌یابد.^{۱۴}

^{۱۴} Habermas, J. (1984). *The Theory of Communicative Action*. Boston: Beacon Press.

جدول ۸: مقایسه‌ی رویکرد تحلیلی و قاره‌ای به مفهوم آزادی

معیار	سنت تحلیلی	سنت قاره‌ای
روش	تحلیل منطقی مفاهیم، وضوح تعریف	تفسیر، پدیدارشناسی، گفتمان
پرسش اصلی	«آزادی دقیقاً یعنی چه؟»	«آزادی چه تجربه‌ای است؟»
متفکران شاخص	برلین، رالز، پتیت، سن، مکالوم	هایدگر، سارتر، فوکو، باتلر
نسبت با دولت	مستقیم و سیاسی	غالباً انتقادی-غیرمستقیم
نگاه به ساختار	غالباً نهادگرا	غالباً ساختارانتقادی
نقطه‌ی ضعف	انتزاع از واقعیت زنده‌ی قدرت	ابهام در توصیه‌های سیاسی
نقطه‌ی قوت	دقت مفهومی، قابل آزمون	حساسیت به قدرت پنهان

ب.۴ – آزادی در مکاتب راست، چپ و میانه: تحلیل تقابلی

چارچوب تحلیل

یکی از کلیدی‌ترین محورهای تقابل در نظریه‌ی آزادی، جایگاه آن در طیف چپ-میانه-راست است. این تقابل صرفاً سیاسی نیست؛ بلکه بر سر تعریف بنیادین آزادی، نسبت آن با برابری، و نقش دولت است.

کانون اصلی دعوا: آیا بازار آزاد، آزادی را گسترش می‌دهد یا محدود می‌کند؟

این سؤال بنیادی‌ترین اختلاف راست و چپ مدرن است:

موضع راست/لیبرتاریان (هایک، فریدمن): بازار آزاد تنها مکانیسمی است که بدون اقتدار مرکزی، هماهنگی اجتماعی را ممکن می‌کند. مداخله‌ی دولت در اقتصاد، صرف‌نظر از نیت، به سرفداری ختم می‌شود.^a

موضع چپ/سوسیال‌دموکرات (پولانی، رالز): قدرت بازار، شکلی از سلطه‌ی نامرئی است. کارگری که تنها گزینه‌اش پذیرش شرایط نامنصفانه‌ی کارفرماست، «آزادانه» قرارداد نمی‌بندد-او در موقعیتی شبه‌اجباری قرار دارد.^b

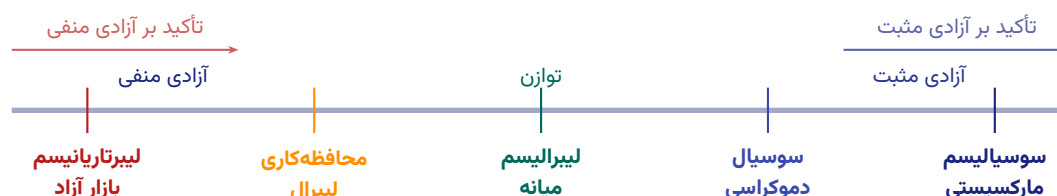
موضع جمهوری‌خواهانه (پتیت): هر دو می‌توانند اشتباه کنند. آزادی نه رهایی از دولت است، نه رهایی از بازار، بلکه رهایی از سلطه‌ی دلبخواهانه-خواه منشأ آن عمومی باشد یا خصوصی.

Hayek, F. (1944). *The Road to Serfdom*. Chicago: University of Chicago Press.^a

Polanyi, K. (1944). *The Great Transformation*. Boston: Beacon Press, p. 257.^b

جدول ۹: آزادی از منظر طیف‌های فکری سیاسی

معیار	راست لیبرتاریان	لیبرال میانه	سوسیال‌دموکراسی	چپ رادیکال
تعریف آزادی	مداخله‌ی دولت	خودفرمانی در قوانین عادلانه	برابری شرایط واقعی	رهایی از سرمایه‌داری
نوع آزادی	منفی + بازار آزاد	منفی + مثبت محدود	مثبت + برابری	رهایی (Eman-cipation)
نقش دولت	حداقلی: پاسبان حقوق	تنظیم‌گر: برطرف‌کننده‌ی موانع	رفاهی: توزیع‌کننده‌ی قابلیت‌ها	ابزار طبقه یا کمون خودگردان
رابطه با برابری	برابری در برابر قانون (نه نتیجه)	برابری فرصت‌ها	توانایی‌های پایه برابری	برابری ساختاری اقتصادی
دشمن اصلی آزادی	دولت بزرگ + مالیات	تبعیض + استبداد	فقر + نابرابری + پاترنالیسم	سرمایه‌داری + امپریالیسم
نظریه‌پرداز شاخص	هایک، نوزیک، فریدمن	رالز، دوورکین، برلین	گیدنز، دنی رودریک، سن	مارکس، گرامشی، قانون
ریشه‌ی انسان‌شناختی	اتم خودبسنده، عاقل	شخص اخلاقی با حقوق ذاتی	موجود اجتماعی نیازمند	موجود طبقاتی-رهایی طلب
نقطه‌ی کور	نابرابری‌های قدرت اقتصادی	بی‌توجهی به ساختارهای پنهان	پاترنالیسم دولتی	خطر اقتدارگرایی انقلابی



ب.۵ - آزادی در سنت پسااستعماری و فمینیستی

بازتعریف آزادی از بیرون از مرکز

سنت‌های پسااستعماری و فمینیستی، نه تنها محتوای تعریف آزادی، بلکه چه کسی و از کجا آن را تعریف می‌کند را به چالش کشیده‌اند. این سنت‌ها نشان دادند که «آزادی جهانی» ادعا شده در فلسفه لیبرال، اغلب آزادی مرد-سفیدپوست-اروپایی بوده است.

فانون و آزادی استعمارزده: فرانتس فانون در *The Wretched of the Earth* (۱۹۶۱) استدلال کرد که استعمار نه فقط آزادی سیاسی، بلکه سوژکتیویته‌ی انسانی ملت‌های مستعمره را سلب کرده است. آزادی مستلزم «رهایی روانی»-شکست هویت ساخته‌شده توسط استعمارگر-پیش از هر آزادی سیاسی است.^{۱۵}

اسپیواک و سکوت زیردست: گایتری اسپیواک در مقاله‌ی «آیا زیردست می‌تواند سخن بگوید؟» (۱۹۸۸) نشان داد که ساختارهای گفتمانی چگونه صدای گروه‌های حاشیه‌ای را از پیش ناشنیدنی می‌کنند. آزادی بیان بدون ساختارهای شنیدن، ناقص است.^{۱۶}

فمینیسم و آزادی بدن: سیمون دو بووار در *The Second Sex* (۱۹۴۹) نشان داد که «آزادی» مردانه بر مبنای تعریف زن به عنوان «دیگری» (the Other) ساخته شده است. آزادی واقعی مستلزم از دست دادن این ساختار دوگانه‌ی سوژه-ابژه است.^{۱۷}

جودیت باتلر این انتقاد را به حوزه‌ی هویت جنسی گسترش داد: جنسیت یک عملکرد تکراری (performativity) است، نه یک ذات ثابت. آزادی به معنای برهم زدن این اجراهای تکراری است.^{۱۸}

ب.۶ - آزادی در عصر دیجیتال: چالش‌های معاصر

آزادی در قرن بیست و یکم: سه چالش جدید

انقلاب دیجیتال، هوش مصنوعی، و نظارت همه‌گیر، سه چالش بی‌سابقه برای هر نظریه‌ی آزادی ایجاد کرده‌اند که با چارچوب‌های کلاسیک به‌سختی قابل تحلیل هستند.

^{۱۵} Fanon, F. (1961/2004). *The Wretched of the Earth*. New York: Grove Press, p. 2.
^{۱۶} Spivak, G. C. (1988). Can the Subaltern Speak? In C. Nelson & L. Grossberg (Eds.), *Marxism and the Interpretation of Culture*. Urbana: University of Illinois Press, pp. 271-313.
^{۱۷} de Beauvoir, S. (1949/2011). *The Second Sex*. New York: Vintage Books, p. 6.
^{۱۸} Butler, J. (1990). *Gender Trouble: Feminism and the Subversion of Identity*. New York: Routledge, p. 25.

جدول ۱۰: گسترش انتقادی مفهوم آزادی: سنت‌های پسااستعماری و فمینیستی

متفکر	انتقاد اصلی از آزادی لیبرال	تعریف جایگزین	برنامه‌ی سیاسی
فانون	فراموشی آسیب روانی استعمار	رهایی روانی-هویتی	انقلاب ضداستعماری
اسپیواک	گفتمان که صداها را می‌بلعد	آزادی گفتمانی + نمایندگی	بازسازی ساختارهای گوش‌دهی
دو بووار	آزادی مردانه بر قربانی زن	آزادی متقابل (Reciprocal)	برابری جنسیتی + استقلال
باتلر	هویت ثابت ابزار قدرت است	آزادی اجرایی-تکرارشکنانه	سیاست کوئیر + اغتشاش جنسیتی
پل هوکس	آزادی سفید فمینیسم موج دوم	آزادی تقاطعی (Intersectional)	فمینیسم ضدنژادپرست

یک: معماری پنهان انتخاب (Nudge Architecture): تالر و سانشین در *Nudge* (۲۰۰۸) نشان دادند که چطور طراحی محیط انتخاب می‌تواند رفتار را بدون اجبار رسمی هدایت کند. این «پدرسالاری آزادی‌پرور» (Libertarian Paternalism) چالشی برای تعریف کلاسیک آزادی ایجاد می‌کند: آیا وقتی معماری پنهانی انتخاب ما را شکل می‌دهد هنوز «آزادانه» تصمیم می‌گیریم؟^{۱۹}

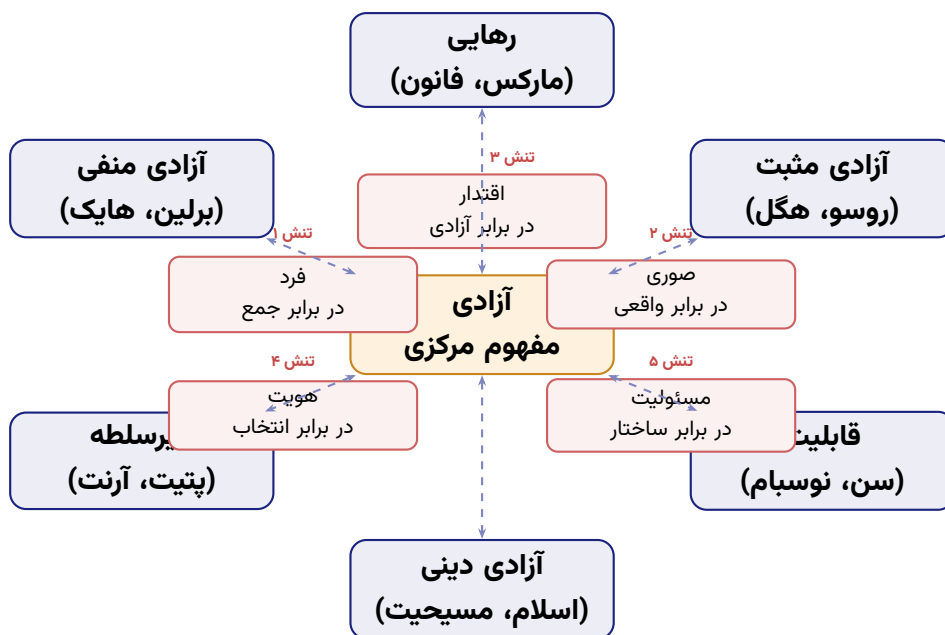
دو: سرمایه‌داری نظارتی (Surveillance Capitalism): شوشانا زوبوف در *The Age of Surveillance Capitalism* (۲۰۱۹) استدلال کرد که اقتصاد داده، یک شکل کاملاً جدید از قدرت ایجاد کرده که تجربه‌ی انسانی را به عنوان مواد خام استخراج و به رفتار قابل پیش‌بینی تبدیل می‌کند. این نه سلطه‌ی دولت است نه بازار سنتی، بلکه چیزی است که مفاهیم آزادی کلاسیک برای توصیف آن ساخته نشده‌اند.^{۲۰}

سه: آزادی الگوریتمی و تبعیض پنهان: تبعیض الگوریتمی نشان داده که سیستم‌های به‌ظاهر بی‌طرف می‌توانند شکل‌های تاریخی نابرابری را بازتولید کنند. برای رویکرد قابلیت‌سن، این به معنای محرومیت قابلیت‌ی غیرمرئی است که در معماری زیرساخت‌های دیجیتال تعبیه شده.

ب.۷ – جمع‌بندی: نقشه‌ی تنش‌های حل‌نشده

^{۱۹} Thaler, R. & Sunstein, C. (2008). *Nudge: Improving Decisions about Health, Wealth and Happiness*. New Haven: Yale University Press.

^{۲۰} Zuboff, S. (2019). *The Age of Surveillance Capitalism*. New York: PublicAffairs, p. 8.



نتیجه‌گیری پیوست ب: آزادی-مفهومی که هیچ‌گاه بسته نمی‌شود

فلسفه‌ی آزادی در وضعیتی است که **گالی** آن را «مفهوم ذاتاً مورد مناقشه» (Essentially Contested Concept) نامید: مفهومی که ارزیابی‌های رقیب نه از سوءتفاهم، بلکه از تعهدات ارزشی متفاوت ناشی می‌شوند.^a این بدان معنا نیست که «هر تعریفی درست است»، بلکه به این معناست که:

۱. هر نظریه‌ی آزادی باید درباره‌ی **انسان‌شناسی** خود صادق باشد.
 ۲. هر نظریه باید **تنش‌های درونی** خود را بشناسد و آدرس دهد.
 ۳. هیچ نظریه‌ای نمی‌تواند ادعای **جامعیت بدون قربانی‌کردن برخی ارزش‌ها** داشته باشد.
 ۴. کار نظریه‌پرداز آزادی نه حل نهایی، بلکه **شفاف‌سازی معاوضه‌ها** (trade-offs) است.
- در سنت تحلیلی، این صداقت مفهومی خود نوعی آزادی فکری است—آزادی از توهم نظام‌های بسته.

Gallie, W. B. (1956). Essentially Contested Concepts. *Proceedings of the Aristotelian Society*, 56,^a 167–198.

ساختار کتاب‌شناسی

منابع در پنج دسته ارائه شده‌اند: (۱) آثار کلاسیک بنیادین، (۲) آثار تحلیلی معاصر، (۳) سنت قاره‌ای، (۴) سنت اسلامی-ایرانی، (۵) مطالعات تطبیقی و منابع فارسی.

الف. آثار کلاسیک بنیادین

۱. Aristotle. *Politics*. Trans. C.D.C. Reeve. Indianapolis: Hackett, 1998.
۲. Augustine of Hippo. *De Libero Arbitrio [On Free Will]*. In P. King (trans.), *Against the Academicians and The Teacher*. Indianapolis: Hackett, 1995.
۳. Hobbes, T. (1651/1994). *Leviathan*. Ed. E. Curley. Indianapolis: Hackett.
۴. Locke, J. (1689/1988). *Two Treatises of Government*. Ed. P. Laslett. Cambridge: Cambridge University Press.
۵. Rousseau, J.-J. (1762/1968). *The Social Contract*. Trans. M. Cranston. Harmondsworth: Penguin.
۶. Kant, I. (1785/1998). *Groundwork for the Metaphysics of Morals*. Trans. M. Gregor. Cambridge: Cambridge University Press.
۷. Mill, J.S. (1859/1978). *On Liberty*. Ed. E. Rapaport. Indianapolis: Hackett.
۸. Hegel, G.W.F. (1820/1991). *Elements of the Philosophy of Right*. Trans. H.B. Nisbet. Cambridge: Cambridge University Press.
۹. Marx, K. (1844/2007). *Economic and Philosophic Manuscripts of 1844*. Trans. M. Milligan. Mineola: Dover.
۱۰. Constant, B. (1819). "The Liberty of Ancients Compared with That of Moderns." In B. Fontana (Ed.), *Political Writings*. Cambridge: Cambridge University Press, 1988.

ب. آثار تحلیلی معاصر (قرن ۲۰-۲۱)

۱۱. Berlin, I. (1969). *Four Essays on Liberty*. Oxford: Oxford University Press. [از «دو مفهوم آزادی» مقاله‌ی کلیدی این مجموعه است]
۱۲. Rawls, J. (1971). *A Theory of Justice*. Cambridge, MA: Harvard University Press.

۱۳. Rawls, J. (1993). *Political Liberalism*. New York: Columbia University Press.
۱۴. Nozick, R. (1974). *Anarchy, State, and Utopia*. New York: Basic Books.
۱۵. Hayek, F.A. (1960). *The Constitution of Liberty*. Chicago: University of Chicago Press.
۱۶. MacCallum, G.C. (1967). "Negative and Positive Freedom." *Philosophical Review*, 76(3), 312-334.
۱۷. Taylor, C. (1979). "What's Wrong with Negative Liberty?" In A. Ryan (Ed.), *The Idea of Freedom*. Oxford: Oxford University Press.
۱۸. Pettit, P. (1997). *Republicanism: A Theory of Freedom and Government*. Oxford: Clarendon Press.
۱۹. Pettit, P. (2014). *Just Freedom: A Moral Compass for a Complex World*. New York: W.W. Norton.
۲۰. Skinner, Q. (1998). *Liberty before Liberalism*. Cambridge: Cambridge University Press.
۲۱. Sen, A. (1999). *Development as Freedom*. New York: Anchor Books. [توسعه به مثابه آزادی. ترجمه: محمدسعید نوری نائینی. تهران: نشر کویر]
۲۲. Nussbaum, M. (2011). *Creating Capabilities: The Human Development Approach*. Cambridge, MA: Harvard University Press.
۲۳. Sandel, M. (1982). *Liberalism and the Limits of Justice*. Cambridge: Cambridge University Press.
۲۴. Dworkin, R. (2000). *Sovereign Virtue: The Theory and Practice of Equality*. Cambridge, MA: Harvard University Press.
۲۵. Raz, J. (1986). *The Morality of Freedom*. Oxford: Clarendon Press.
۲۶. Fricker, M. (2007). *Epistemic Injustice: Power and the Ethics of Knowing*. Oxford: Oxford University Press.

ج. سنت قاره‌ای و پسامدرن

۲۷. Sartre, J.-P. (1946/2007). *Existentialism is a Humanism*. Trans. C. Macomber. New Haven: Yale University Press.
۲۸. Arendt, H. (1958). *The Human Condition*. Chicago: University of Chicago Press.

۲۹. Arendt, H. (1961). *Between Past and Future*. New York: Viking.
۳۰. Heidegger, M. (1927/1962). *Being and Time*. Trans. J. Macquarrie & E. Robinson. New York: Harper & Row.
۳۱. Foucault, M. (1970). *The Order of Discourse* [Inaugural lecture]. Trans. R. Young. London: Routledge, 1981.
۳۲. Foucault, M. (1977). *Discipline and Punish*. Trans. A. Sheridan. New York: Pantheon.
۳۳. Butler, J. (1990). *Gender Trouble: Feminism and the Subversion of Identity*. New York: Routledge.
۳۴. Habermas, J. (1984). *The Theory of Communicative Action* (Vol. 1). Trans. T. McCarthy. Boston: Beacon Press.
۳۵. Taylor, C. (1989). *Sources of the Self: The Making of the Modern Identity*. Cambridge, MA: Harvard University Press.
۳۶. Honneth, A. (1992/1995). *The Struggle for Recognition*. Trans. J. Anderson. Cambridge: Polity Press.
۳۷. Pateman, C. (1988). *The Sexual Contract*. Stanford: Stanford University Press.
۳۸. Fanon, F. (1961/2004). *The Wretched of the Earth*. Trans. R. Philcox. New York: Grove Press.
۳۹. Spivak, G.C. (1988). "Can the Subaltern Speak?" In C. Nelson & L. Grossberg (Eds.), *Marxism and the Interpretation of Culture*. Urbana: University of Illinois Press.

د. سنت اسلامی-ایرانی

۴۰. ابن خلدون (۱۳۸۰). مقدمه‌ی ابن خلدون. ترجمه: محمدپروین گنابادی. تهران: علمی و فرهنگی.
۴۱. نظام‌الملک (۱۳۸۵). سیاست‌نامه. ویرایش: محمد قزوینی. تهران: زوار.
۴۲. غزالی (۱۳۸۱). نصیحة الملوک. ویرایش: جلال‌الدین همایی. تهران: انجمن آثار ملی.
۴۳. طباطبایی، سیدجواد (۱۳۸۵). ابن خلدون و علوم اجتماعی. تهران: ققنوس.
۴۴. طباطبایی، سیدجواد (۱۳۷۵). زوال اندیشه‌ی سیاسی در ایران. تهران: کویر.
۴۵. شایگان، داریوش (۱۳۸۱). افسون‌زدگی جدید. تهران: فرزانه.
۴۶. سروش، عبدالکریم (۱۳۸۰). بسط تجربه‌ی نبوی. تهران: صراط.

۴۷. شریعتی، علی (۱۳۷۵). اسلام‌شناسی. تهران: الهام.

۴۸. An-Na'im, A. (1990). *Toward an Islamic Reformation: Civil Liberties, Human Rights, and International Law*. Syracuse: Syracuse University Press.

۴۹. Soroush, A. (2000). *Reason, Freedom, and Democracy in Islam*. Trans. & ed. M. Sadri & A. Sadri. Oxford: Oxford University Press.

ه. منابع فارسی و مطالعات تطبیقی

۵۰. آقایی، بهمن (۱۳۹۰). فرهنگ علوم سیاسی. تهران: نشر علم.

۵۱. بشیریه، حسین (۱۳۸۴). لیبرالیسم و محافظه‌کاری. تهران: نشر نی.

۵۲. بشیریه، حسین (۱۳۸۰). آموزش دانش سیاسی. تهران: نشر نگاه معاصر.

۵۳. زیبا کلام، صادق (۱۳۷۷). سنت و مدرنیته. تهران: روزنه.

۵۴. کاتوزیان، محمدعلی (۱۳۹۴). ایرانیان: دوران باستان تا دوره‌ی معاصر. ترجمه: عبدالله کوثری. تهران: نشر مرکز.

۵۵. Carter, I., Kramer, M., & Steiner, H. (Eds.). (2007). *Freedom: A Philosophical Anthology*. Oxford: Blackwell. [مجموعه‌ای جامع از متون اصلی]

۵۶. Miller, D. (Ed.). (1991). *Liberty*. Oxford: Oxford University Press.

پایان مقاله

نوشته‌ی مهدی سالم

۳ اسفند ۱۴۰۴ - ۲۲ فوریه ۲۰۲۶

MahdiSalem.com